



جامعه‌شناسی ادبیات

دیانا تی. لارنسون

آلن سوئینگ‌وود

ترجمه دکتر شاپور بهیان

جامعه‌شناسی ادبیات

دیانا تی. لارنسون
آلن سوئینگ‌وود

ترجمه
دکتر شاپور بهیان

تهران

۱۳۹۹



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

Laurenson, Diana T.

سرشناسه: لورنسون، دایانا تی.

عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی ادبیات / دایانا تی. لارنسون، آلن سوئینگ‌وود؛ ترجمه شاپور بهیان.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: نه، ۲۹۰ ص.

فروست: «سمت»؛ ۲۳۷۹. زبان و ادبیات فارسی؛ ۱۱۸.

شابک: ۸-۲۱۶۳-۲-۶۰۰-۹۷۸-۳۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

The Sociology of Literature, c1972.

یادداشت: عنوان اصلی:

موضوع: ادبیات — جنبه‌های اجتماعی

Literature and Society

موضوع: نویسندگی — جنبه‌های جامعه‌شناختی

Authorship -- Sociological Aspects

شناسه افزوده: سوئینگ‌وود، آلن، Swingewood, Alan

شناسه افزوده: بهیان، شاپور، ۱۳۴۱-، مترجم.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۹ PN ۵۱

رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۹۱۷۳

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



The Sociology of Literature; Diana T. Laurenson, Alan Swingewood. New York: Schocken Books, c1972.

جامعه‌شناسی ادبیات

دایانا تی. لارنسون و آلن سوئینگ‌وود

ترجمه دکتر شاپور بهیان (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه اصفهان)

ویراستار: مریم جابر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

چاپ و صحافی: چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

قیمت: ۳۳۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رأس همه اصلاحات، اصلاح «فرهنگ» است

صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۵۶

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسائل این علوم است. ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند. دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای و یادآوری‌های پیاپی ارباب‌نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، به عنوان منبع قابل استفاده برای دروس «جامعه‌شناسی ادبیات» گرایش ادبیات پایداری، «نقد جامعه‌شناختی» گرایش نقد و نظریه ادبی، «جامعه‌شناسی ادبیات عامه» گرایش ادبیات عامه برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی مقطع کارشناسی ارشد هر کدام به ارزش ۲ واحد، همچنین قابل استفاده برای رشته علوم اجتماعی ترجمه شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
شش	مقدمه مترجم
۱	پیشگفتار
	بخش اول: نظریه
۳	فصل اول: مقدمه: جامعه‌شناسی و ادبیات
۱۶	فصل دوم: نظریه‌های اجتماعی ادبیات
۵۲	فصل سوم: ادبیات و ساختارگرایی
۷۲	فصل چهارم: مسائل روش
	بخش دوم: نویسندگان و جامعه
۸۴	فصل پنجم: ریشه‌های نویسندگی و حمایتگری
۱۱۰	فصل ششم: حرفه‌ای شدن نویسنده
۱۳۶	فصل هفتم: نویسنده در عصر حاضر
	بخش سوم: به سوی جامعه‌شناسی رمان
۱۷۱	فصل هشتم: فیلدینگ، تام جونز، و پیدایش رمان
۲۰۳	فصل نهم: از خودبیگانگی، شیء‌شدگی، و رمان
۲۴۶	فصل دهم: جرج اورول، سوسیالیسم و رمان
۲۷۴	گزیده منابع
۲۸۰	منابع ترجمه
۲۸۱	نمایه

مقدمه مترجم

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های علم جامعه‌شناسی است و مثل سایر شاخه‌های این علم، به روشی نظام‌مند، بی‌غرض، سرد و جدا با موضوع خود مواجه می‌شود. همچنان که در سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی، هیچ موضوعی نیست که تاب نگاه تیز و نافذ جامعه‌شناس را بیاورد، در جامعه‌شناسی ادبیات هم هیچ موضوع ادبی‌ای، مقدس، مبتنی بر امر استعلایی و تافته جدا بافته تلقی نمی‌شود و اثر ادبی در وهله نخست به منزله یک موضوع، امری در خور موشکافی، تبیین و تحلیل و حتی «تقلیل» در نظر گرفته می‌شود و این‌ها همه برخلاف آن چیزی است که معمولاً در ساحت ادبیات و نقد ادبی مرسوم می‌گذرد.

در نقد ادبی معمولاً آنچه اهمیت دارد ساختار درونی اثر، صورت خیالی، استعاره، نحوه ترسیم شخصیت، طرح و از این قبیل است و امور بیرونی، اگر هم توجهی برانگیزند، صرفاً به عنوان پس‌زمینه در نظر گرفته می‌شوند. منتقد ادبی غالباً دشمن هر گونه رویکرد بیرونی به اثر است. از همین روست که پی‌یر بوردیو معتقد است که جامعه‌شناسی هنر (و ادبیات) نمی‌تواند به‌خوبی بر یک بستر قرار گیرند.

در خود حوزه جامعه‌شناسی نیز از همان آغاز، جامعه‌شناسی ادبیات با اقبال چندانی مواجه نشد. اگوست کنت و هربرت اسپنسر در قرن نوزدهم و امیل دورکیم و ماکس وبر در اوایل قرن بیستم، فقط به طور اتفاقی به ادبیات پرداختند. شاید فقط مارکس بود که بیشتر از آن‌ها به ادبیات توجه نشان داد، اما آراء ادبی او پراکنده، غیرمدون و گاه متناقض است. از همین روست که جامعه‌شناسی ادبیات در مقایسه با سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی در حوزه‌هایی مثل سیاست، آموزش و پرورش، تغییرات اجتماعی و دین، نتوانست چنان که باید تثبیت شود و مشروعیت یابد. هم در حوزه نظریه و هم در حوزه پژوهش، کار چندانی که دارای دقت علمی باشد صورت نگرفته است. بنابراین، عجیب نیست که بیشتر پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی ادبیات مشخصاً جامعه‌شناس نبودند، از جمله یان وات، ریموند ویلیامز،

ریچارد هوگارت، فرانک کرمود، کنت بروک و ماری مک کارتی.

در ایران وضع جامعه‌شناسی ادبیات بهتر از اینکه هیچ، حتی بسیار بدتر است. از آن‌رو که جامعه‌شناسی ادبیات دست‌به‌گریبان مسائلی است که جامعه‌شناسی در کل با آن درگیر است، از جمله مسائل ناشی از مقاومت در برابر نهادینه شدن آن، مستقل شدن آن از سایر میدان‌های قدرت و سیاست و اقتصاد و از طرفی هم با مسائل خاص خودش روبه‌روست که ناشی از فقدان یک سنت نیرومند پژوهشی، عدم تثبیت، فقدان وجهه و احترام در میان خود جامعه‌شناسان در حدی که به صورت درسی «نخودی» تلقی می‌شود که «اختیاری» است و دانشجوی در «گرفتن» یا «نگرفتن» آن مختار است. به جز این، جامعه‌شناسی ادبیات در ایران تا مدت‌ها به صورت «اجتماعیات در ادبیات» تدریس می‌شد. چنان‌که می‌دانیم، کانون توجه جامعه‌شناسی ادبیات، رابطه میان اثر هنری، مخاطبانش و ساختار اجتماعی‌ای است که اثر در آن تولید و درک می‌شود؛ جامعه‌شناسی ادبیات می‌خواهد بیند اثر ادبی چگونه در شرایطی خاص به وجود می‌آید و سنت‌های فرهنگی و ترتیبات اجتماعی چه تأثیری بر تخیل نویسنده می‌گذارند. اما در «اجتماعیات در ادبیات» کوشش بر این است که بینیم نویسنده یا شاعر چگونه مفاهیم جامعه‌شناسی را به زبان ادبی بیان کرده‌اند. مثلاً مفهوم آنومی یا بی‌هنجاری را، که از اصطلاحات دورکیم است، در آثار دیکنز و داستایوفسکی جست‌وجو کنیم یا مفهوم بوروکراسی را، که از اصطلاحات ماکس وبر است، در آثار کافکا بیابیم و از طرف دیگر بینیم شرایط و اوضاع و احوال یک دوره چگونه در اثر یک نویسنده یا شاعر منعکس شده است. مثلاً برخی از اشعار انوری بازتابی است از ناامنی دوره‌ای که او در آن می‌زیست و یا نحوه حکومت شاه ابواسحاق از یک طرف و امیر مبارزالدین محمد از طرفی دیگر، دو واکنش متفاوت در شعر حافظ برانگیخته‌اند.

کتاب حاضر تصویری از جامعه‌شناسی ادبیات ارائه می‌دهد که دقیقاً برخلاف تصویر مرسوم از آن در دانشگاه‌های ایران است - یعنی مغایر اجتماعیات در ادبیات است. از این گذشته، مخاطبان این کتاب از یک طرف کسانی‌اند که فکر می‌کنند علوم اجتماعی صرفاً بررسی واقعیت‌های عینی و پوزیتیو است، و از طرف دیگر آن‌هایی‌اند که فکر می‌کنند ادبیات تجربه ذهنی منحصر به فردی است که تاب تحلیل علمی را ندارد. بنابراین، شیوه کتاب استدلالی است و کوشش نویسندگان آن، برقراری پلی بین این دو قلمرو است؛ یعنی قلمرو واقعیت‌های عینی و قلمرو تجربه‌های ذهنی. گسترش چشمگیر توجه به جامعه‌شناسی در چند دهه اخیر، تا

حد زیادی معطوف بوده است به بررسی موضوعاتی مثل آموزش و پرورش، قشر بندی اجتماعی، دین، طبقه، روابط نژادی و از این قبیل. در نتیجه موضوعات ابهام آمیزی مثل ادبیات مغفول مانده اند. به جرئت می توان گفت در زبان انگلیسی و به قاطعیت تمام در زبان فارسی کتابی مانند این کتاب نوشته یا ترجمه نشده است تا این خلأ را پر کند و پیوندی میان نظریه های جامعه شناسی ادبیات و کاربرد عملی آنها در تحلیل رمان برقرار کند، رمان هایی از قبیل تام جونز، فیلدینگ، هزار و نهصد و هشتاد و چهار اورول، تهوع سارتر، بیگانه کامو، و یک میلیون جرینگی وست.

این کتاب سه بخش دارد:

- بخش اول به بررسی رابطه جامعه شناسی و ادبیات می پردازد، نظریه های جامعه شناسی ادبیات را مطرح می کند و به مسائل روش در بررسی های جامعه شناسی ادبیات می پردازد.

- بخش دوم به حرفه ای شدن نویسنده، و رابطه او با حامیان و بازار و مخاطبان به طور کلی نظر می کند. در این بخش نویسندگان به شرح نظری و تجربی انواع روابط موجود میان تولید ادبیات و بستر اجتماعی آن پرداخته اند. آنها در این مباحث با رد هر گونه پیوند مکانیکی میان زمینه اجتماعی و ادبیات و نیز با رد این ادعا که ادبیات صرفاً انعکاس ساده یا پیچیده ساختار اجتماعی است، مدعی اند که خود متن ادبی را نمی توان در محیط اجتماعی اش منحل کرد.

- بخش سوم کتاب شامل کاربرد نظریه در تحلیل رمان است، اما در عمل جدل یا گفت و گویی است با لوکاچ و گلدمن از بابت میزان انطباق نظریه های شان با رمان، مخصوصاً رمان قرن بیستم. ضمناً این فصل را نویسندگان از این لحاظ نوشته اند تا نشان دهند که هیچ دانشجوی جامعه شناسی نمی تواند از «شواهد ادبی» و از «آگاهی ادبی» بی نیاز باشد.

در پایان باید تشکر کنم از

- آقای دکتر فواد مولودی، و آقای دکتر عبدالرسول فروتن، اعضای هیئت علمی گروه مطالعات ادبی پژوهشکده «سمت»، از بابت پیگیری و اصرارشان برای چاپ و انتشار این کتاب تا مگر پژوهش های ادبی در دانشگاه های ایران، با چشم اندازهای این حوزه مجهز شوند، و - خانم مریم جابر ویراستار محترم «سمت» که با دقت و وسواس مسئولانه شان، اثر را بسیار بصواب تر و پرداخته تر از قبل کردند، و نیز از

- آقای عبدالرضا حسنی که متن کتاب را با رویکردی فرهنگی-بومی شناختی بررسی و توصیه‌هایی در این خصوص مطرح کردند، و همچنین از
- خانم هاله معیری کارشناس محترم گروه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، خانم مژگان امیری پریان - مسئول محترم روخوانی و کنترل نهایی کتاب حاضر - و سایر همکاران «سمت» که دست‌اندرکار آماده‌سازی، چاپ و نشر این کتاب بودند.

پیشگفتار

کتاب حاضر با این هدف نوشته شده است که ایده جامعه‌شناسی ادبیات را معرفی کند، هم به کسانی که معتقدند علم اجتماعی صرفاً بررسی واقعیت^۱‌هاست و هم به کسانی که ادبیات برای آن‌ها تجربه ذهنی یگانه‌ای است که با تحلیل علمی ناسازگار است. وسعت چشمگیر علاقه به جامعه‌شناسی در همه سطوح در طی چند سال اخیر، تا حد زیادی محدود به قلمروهایی از تحقیق^۲ بوده است که به خوبی توسعه یافته‌اند - آموزش و پرورش، قشربندی اجتماعی، دین، روابط نژادی، انحرافات - به نحوی که قلمروهای دیگر که از سنت دورترند و ابهام‌آمیزترند از قلم افتاده‌اند. بررسی جامعه‌شناسی ادبیات، نه از لحاظ نظریه گسترش یافته است و نه از لحاظ روش تحلیل، بلکه در حالتی برزخی میان ادبیات به مثابه ادبیات و جامعه‌شناسی به مثابه علم اجتماعی معلق مانده است. در زبان انگلیسی، هیچ متن راهنمای بسنده‌ای برای تحلیل اجتماعی ادبیات در گذشته یا حال وجود ندارد و هیچ اثر منتشرشده‌ای وجود ندارد که رابطه‌ای بین نظریه و پژوهش ایجاد کرده باشد. در این کتاب کوشیده‌ایم تا این خلأ را پر کنیم و در حمایت از گسترش نوعی جامعه‌شناسی ادبی استدلال‌های محکمی بیان کنیم.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است: در 'بخش اول'، درباره این نظریه بحث خواهیم کرد که ادبیات محصولی است اجتماعی که مسائل موجود در تحلیل‌های اجتماعی را به گذشته، و نیز به نویسندگان معاصر پیوند می‌زند؛ و نشان داده می‌شود که درجاتی از استمرار فکری میان آن‌ها وجود داشته است. در 'بخش دوم'، موقعیت اجتماعی خود نویسنده مطرح خواهد شد و خواهیم کوشید تأثیرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاص را بر ساختار اثر او نشان دهیم. در 'بخش سوم'، با بیان تحلیل‌های تجربی از متون ادبی معتبر می‌کوشیم بین نظریه و عمل ارتباط برقرار کنیم. آلن سوئینگ‌وود 'بخش اول' و 'بخش سوم' را به تمامی نوشته است و دیانا لارنسون 'بخش دوم' را. اگرچه این دو نویسنده بر نکته‌های متفاوتی تأکید می‌کنند، اما امیدواریم که نتیجه کارشان چندان متناقض نباشد. امیدواریم این اثر به گسترش جامعه‌شناسی ادبیات کمک کند.

1. fact

2. inquiry

در فرانسه، بررسی جامعه‌شناختی ادبیات همچون سایر حوزه‌های تخصصی گسترش یافته و از این حیث از آن‌ها عقب نمانده است. بسیاری از ایده‌های مندرج در این کتاب مستقیم از نویسندگان فرانسوی گرفته شده‌اند؛ به خصوص از نویسنده رومانیایی تبار، لوسین گلدمن. مایه تأسف است که اندک زمانی بعد از پایان بردن این کتاب، از درگذشت ناگهانی و تقریباً زودهنگام او در سن پنجاه و شش سالگی باخبر شدیم. لوسین گلدمن شاید بیش از هر نویسنده دیگری در طول بیست سال گذشته بررسی جامعه‌شناختی ادبیات را از طریق نوشته‌هایش درباره نمایش و رمان توسعه داده است. بدون آثار او این کتاب ناقص‌تر می‌بود.

نوامبر ۱۹۷۰

فصل اول

مقدمه: جامعه‌شناسی و ادبیات

منتقد ادبی، ادبیات را فعالیتی بزرگ، مستقل و خودکفا می‌داند. در بررسی آثار ادبی، در درجه اول باید به ساختار درونی، صورت خیالی، استعاره، آهنگ، ترسیم شخصیت، پویایی‌های طرح و سایر ویژگی‌ها پرداخت. فقط گاهی می‌توان جامعه‌بیرونی را وارد ادبیات کرد، آن‌هم صرفاً از جنبه توصیفی، به عنوان پس‌زمینه‌ای ضروری. منتقد ادبی مدرن، که مجذوب نقد کاملاً متنی و ویژگی‌های درونی^۱ ادبیات است، تقریباً با قاطعیت، مخالف هرگونه بررسی موضوع ادبیات با رویکردی عمدتاً بیرونی^۲ است. او مخالف این دیدگاه است که جامعه‌شناسی (که فعلاً می‌توان آن را به صورت^۳ مثالی از رویکرد بیرونی^۴ تعریف کرد) نه فقط پرتوی بر برخی از مسائل ادبی می‌افکند، بلکه بدون آن، فهم کاملی از ادبیات نیز ممکن نیست. همه چیز به کنار، چنان که منتقد ادبی بی‌شک خاطر نشان خواهد کرد، مطالعه ادبیات و مطالعه جامعه، متضمن روش‌ها و جهت‌گیری‌های کاملاً متفاوتی هستند. آخر چگونه می‌توان بین جهان‌های تخیل و علم پل زد؟

این اعتراض‌ها نباید جامعه‌شناس ادبی آینده را دلسرد کنند. جامعه‌شناسی و ادبیات، در بنیادی‌ترین سطح، یعنی در سطح محتوا، نمای کلی مشترکی دارند. جامعه‌شناسی اساساً عبارت است از بررسی علمی و عینی انسان در جامعه، بررسی نهادهای اجتماعی و بررسی فرایندهای اجتماعی؛ جامعه‌شناس در جست‌وجوی یافتن پاسخ به سؤال‌هایی از این قبیل است که جامعه چگونه موجودیت می‌یابد، چگونه عمل می‌کند، چرا دوام می‌آورد. با بررسی دقیق نهادهای اجتماعی، دینی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی، که به اتفاق هم، چیزی را می‌سازند که ساختار اجتماعی خوانده می‌شود، تصویری ظاهر می‌شود - که البته همیشه روشن نیست - تصویری از

1. intrinsic

2. extrinsic

شیوه‌هایی که به واسطه آن‌ها، جامعه انسان را سازگار و مشروط بار می‌آورد؛ تصویری از سازوکارهای «اجتماعی شدن» که عبارت است از فرایند یادگیری فرهنگی، که از طریق آن نقش‌های مخصوص در ساختار اجتماعی به افراد واگذار می‌شوند و افراد آن‌ها را می‌پذیرند.^۱ این جنبه از جامعه‌شناسی مربوط است به مفهوم ثبات اجتماعی، مفهوم استمرار درون جوامع متفاوت، و شیوه‌هایی که افراد از طریق آن‌ها نهادهای اجتماعی بزرگ را، هم به عنوان امری ضروری و هم امری درست، می‌پذیرند. اما، البته، جامعه‌شناسی به بررسی فرایندهایی نیز می‌پردازد که جامعه از طریق آن‌ها، رفته‌رفته یا ناگهانی، مثل انقلاب، از نوعی جامعه به جامعه‌ای دیگر - مثلاً از فئودالیسم به سرمایه‌داری - تبدیل می‌شود و به بررسی تأثیرات این تغییرات بر ساختار اجتماعی می‌پردازد. در ضمن، فرایندهای اجتماعی بر تغییر درونی کوچک مقیاس دلالت دارند: مثلاً دلالت دارند بر ابزارهایی که اقتدار اجتماعی و سیاسی از طریق آن‌ها «مشروعیت» می‌یابد، یعنی بیشتر جامعه آن را به عنوان امر درست می‌پذیرد؛ [این ابزارها عبارت‌اند از] شیوه‌هایی که نهادهای اجتماعی از طریق آن‌ها کشمکش بین طبقات، گروه‌ها یا صرفاً بین افراد را با موفقیت یا بدون موفقیت سامان می‌دهند، و اجازه می‌دهند که میزانی از وفاق به وجود آید.

ادبیات همانند جامعه‌شناسی به نحو شایانی متوجه جهان اجتماعی انسان، انطباق او با آن، و میل او به تغییر آن است. به این ترتیب، می‌توان رمان را ژانر مهم ادبی جامعه صنعتی، تلاشی وفادارانه برای خلق دوباره جهان اجتماعی حاصل از رابطه انسان با خانواده‌اش، با سیاست، و با حکومت در نظر گرفت؛ ادبیات همین نقش‌های او را درون خانواده و دیگر نهادها، و تضادها و تنش‌های میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی ترسیم می‌کند. می‌توان رمان را، به عنوان یک سند محض، مثل جامعه‌شناسی، در پیوند با همین متن‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دید. اما، البته رمان به چیزی بیشتر از این دست می‌یابد؛ ادبیات به مثابه هنر، از توصیف صرف و تحلیل عینی علمی فراتر می‌رود و به زیر سطح زندگی اجتماعی نفوذ می‌کند و شیوه‌هایی را نشان می‌دهد که

۱. رویکرد روان‌شناختی به ادبیات به‌ندرت این مفاهیم جامعه‌شناختی را به کار می‌گیرد و بیشتر مایل است که خلاقیت ادبی را به شرایط روان‌شناختی خاصی مربوط کند. این رویکرد اغلب از این حیث تقلیل‌گراست که متن ادبی را به‌مثابه انعکاس سابقه روان‌شناختی نویسنده، یک پدیده خاص فردی، در نظر می‌گیرد. این دیدگاه انکار نمی‌کند که برخی حوادث در اجتماعی شدن نویسندگان، مثل تجربه دیکنز در کارخانه واکس‌سازی، از طریق شخصیت‌ها، پی‌رنگ‌ها، نمادها، و استعاره‌های مورد انتخاب نویسنده نشان داده می‌شوند. اما این امر به هیچ‌وجه نمی‌تواند جای تشریح و تفهیم ادبیات را بگیرد، چه این تشریح و تفهیم برحسب ساختار اجتماعی باشد، و نیز چنان که بعد خواهیم دید، چه برحسب ارزش‌ها.

در آن‌ها مردان و زنان جامعه را، همچون احساس، تجربه می‌کنند. ریچارد هوگارت می‌نویسد: «بدون شواهد کامل ادبی، دانشجوی جامعه‌شناسی به درک کامل جامعه نخواهد رسید».^۱

پس، هرچند به نظر می‌رسد که ادبیات و جامعه‌شناسی رشته‌هایی متمایز نیستند و بلکه برعکس، یکدیگر را در فهم ما از جامعه تکمیل می‌کنند، از دیرباز، تمایل داشته‌اند که از هم جدا بمانند. جامعه‌شناسان اولیه، نظیر کنت^۲ و اسپنسر در قرن نوزدهم و دورکیم و وبر در قرن بیستم، در حالی که ارجاعاتی اتفاقی به ادبیات تخیلی داشتند، در کل آن را تابعی از مطالعات ساختار اجتماعی در نظر می‌گرفتند. به این ترتیب، بررسی جامعه‌شناختی ادبیات تقریباً دیر شکل گرفت، چون هرچند امروز جامعه‌شناسی‌های دین، آموزش و پرورش، سیاست، تغییر اجتماعی، و حتی حوزه‌های مبهمی مثل ایدئولوژی، به خوبی رشد کرده‌اند، تقریباً هیچ مجموعه‌ی تثبیت‌شده‌ای از دانش که جامعه‌شناسی ادبیات نامیده شود، وجود ندارد. ضمناً مایه‌ی تأسف است که همین میزان اندک دانش و پژوهش موجود در این حوزه، در کل از لحاظ کیفیت فوق‌العاده مشکوک و فاقد دقت علمی، و از لحاظ «بصیرت‌ها»ی جامعه‌شناختی، پیش‌پاافتاده، و اغلب حاوی خام‌ترین روابط بین متون ادبی و تاریخ اجتماعی است.^۳

فعلاً می‌توانیم دو رویکرد عمده را در جامعه‌شناسی ادبیات مشخص کنیم: رایج‌ترین دیدگاه، به جنبه‌ی سندی^۴ ادبیات نظر دارد و استدلال می‌کند که ادبیات آینه‌ی عصر است. این رویکرد تصویر آینه‌ای، دارای تاریخی طولانی و مشخص است: فیلسوف فرانسوی، لویی دیوینالد (۱۷۵۴-۱۸۴۰) یکی از اولین نویسندگانی بود که معتقد بود با خواندن دقیق ادبیات هر ملتی، «می‌توان گفت که این ملت چه منشی داشته است». این در حالی است که استدلال در عبارتی مشهور از سرخ و سیاه، رمان را «به آینه‌ای تشبیه می‌کند که در جاده‌ای اصلی حمل می‌شود؛ گاهی آبی آسمان را منعکس می‌کند و گاهی گل ولای و چاله‌های جاده را». از این دیدگاه، ادبیات عبارت است از انعکاس صریح سطوح گوناگون ساختار اجتماعی، روابط خانوادگی، تعارضات طبقاتی، و شاید هم جریان‌های طلاق و ترکیب جمعیت.^۵ چنان که یکی

1. R. Hoggart, "Literature and Society", in *A Guide to the Social Sciences*, ed. N. Mackenzie, London, Weidenfeld & Nicolson, 1966.

2. Comte

۳. برای این برداشت از جامعه‌شناسی ادبی رجوع کنید به:

G. Watson, *The Study Literature*, London, Allen Lane The Penguin Press, 1969, ch. 10, "sociology".

4. documentary

۵. بسنجید با:

M. C. Albrecht, "The Relationship of Literature and Society", *American Journal of Sociology*, vol. 159, pp. 425-36.

از نویسندگان بسیار برجسته در جامعه‌شناسی ادبیات، به درستی بیان کرده است: «وظیفه متخصص جامعه‌شناسی ادبیات عبارت است از ربط دادن تجربه شخصیت‌های تخیلی و موقعیت‌های تخیلی نویسنده به حال‌وهوای تاریخی‌ای که منشأ آن‌هاست. او باید معادله‌های خصوصی درون‌مایه‌ها و ابزارهای سبکی را به معادل‌های اجتماعی تبدیل کند».^۱

این «تبدیل» جهان خصوصی ادبیات به معانی اجتماعی خاص، یعنی رویکرد بیرونی به ادبیات، پیوسته در معرض نقد شدیدی بوده است. برای مثال، علیه آن چنین استدلال شده است که این روش گرایش دارد ادبیات را صرفاً مخزنی از اطلاعات در نظر بگیرد که باید به طور جامعه‌شناختی به آن «دستبرد زد»؛ [استدلال دیگر علیه این رویکرد بیرونی به ادبیات آن است] که کسانی که فاقد دستگاه نقد لازم برای فهم و ارزیابی ادبیات هستند، «از بیرون ادبیات به آن وارد شده‌اند و آن را زیر و رو کرده‌اند».^۲ در این روش، این خطر نیز هست که جامعه‌شناس ادبی فاقد مهارت کافی برای فهم جزئیات تاریخی دوره‌های خاص باشد. روی هم رفته، از آنجا که سند ادبی را باید برحسب جهانی شناخت که در آن [این سند] به طور فرضی بازنمایی می‌شود، آنگاه «فقط کسی که دارای شناخت از ساختار یک جامعه از منابعی غیر از منابع ادبی محض است می‌تواند دریابد که آیا تیپ‌های مشخص اجتماعی و رفتارشان در یک رمان بازنمایی شده‌اند یا نه، و این بازنمایی تا چه حد بسنده یا نابسنده بوده است».^۳ اما مسئله واقعی مربوط می‌شود به این پرسش که ادبیات واقعاً چه چیزی را منعکس می‌کند. اگر مثلاً رمان آینه یک عصر است، پس این سؤال پیش می‌آید که آیا صنایع ادبی محض نمی‌توانند این تصویر را تحریف کنند. در گذشته، بارها فرض شده است که هنرمندان به حقیقت تاریخی و اجتماعی وفادارند، و همین امر نتایج تفسیری اسف‌باری به بار آورده است.^۴ ضمناً، مسئله تعمیم نیز مطرح است: شخصیت‌های داستانی و موقعیت‌های داستانی تا چه حد می‌توانند نماینده یک دوره تاریخی خاص باشند؟ آیا می‌توان از آثار ادبی - مثلاً از رمان‌های

1. L. Lowenthal, *Literature and the Image of Man*, Boston, Beacon Press, 1957, p. x.

2. Hoggart, op. cit.; F. R. Leavis, "Sociology and Literature", in *The Common Pursuit*, London, Chatto & Windus, 1952.

3. E. K. Bramsted, *Aristocracy and the Middel Classes in Germany*, Social Types in German Literature, 1830-1900, Chicago, University of Chicago Press, 1964, p. 4.

۴. به این ترتیب، تن (رجوع کنید به فصل دوم) در بررسی خود درباره ادبیات انگلیسی (۱۸۶۴)، فراموش می‌کند که در تئاتر عصر الیزابت، پسران بودند که نقش‌های زنان را بازی می‌کردند و به این ترتیب در تأیید ضرورت مردانگی قهرمانان و تیپ‌های عصر الیزابت استدلال‌هایی را مطرح می‌کند.

دیکتز و خانم گاسکل^۱ - تعمیم‌های جامعه‌شناختی سودمندی در مورد برخی از موضوعات اجتماعی، مثلاً روابط میان کارگر و کارفرما در قرن نوزدهم، نقش اتحادیه‌های کارگری یا آگاهی طبقه کارگر را استخراج کرد؟ چه نکته مفیدی در برداشت یک رمان‌نویس ویکتوریایی درباره طبقه کارگر انگلیس نهفته است که نتوان صورت دقیق‌تر آن را با بررسی دقیق مجله‌های آن عصر، گزارش‌های کارخانه‌ها، تحقیقات دولتی، و آمار خام بهداشت و مرگ‌ومیر به دست نیاورد؟ این منابع اخیر، تا حد زیادی از قید دیدگاه‌ها و ایدئولوژی طبقه متوسط رمان‌نویس عصر ویکتوریا آزادند.

پس باید مفهوم آیینگی [ادبیات] را [اینکه ادبیات آینه جامعه است] با احتیاط بسیار زیادی در تحلیل جامعه‌شناختی ادبیات در نظر گرفت. البته از همه مهم‌تر این است که این مفهوم، خود نویسنده، آگاهی و قصدش را نادیده می‌گیرد. نویسندگان بزرگ صرفاً به ترسیم جهان اجتماعی در چارچوب‌های بسیار توصیفی اقدام نمی‌کنند. می‌توان گفت که نویسنده بنا بر تعریف، وظیفه سخت‌تری دارد، از جمله به حرکت درآوردن شخصیت‌هایش در موقعیت‌های تدبیرشده، به صورت هنری، تا «سرنوشت‌های» خصوصی خود را دنبال کنند، تا ارزش‌ها و معانی جهان اجتماعی را کشف کنند. چون جامعه، چیزی بیش از مجموعه نهادهایی اجتماعی است که ساختار اجتماعی را می‌سازند: جامعه، هم شامل هنجارها^۲ است (هنجار یعنی معیارهای رفتار که افراد آن‌ها را به عنوان امر درست برای عمل و قضاوت می‌پذیرند) و هم شامل ارزش‌ها،^۳ ارزش‌هایی که آگاهانه صورت‌بندی می‌شوند و آدم‌ها می‌کوشند آن‌ها را به لحاظ اجتماعی متحقق کنند. به عنوان مثال ادبیات، به وضوح، هنجارها و نگرش‌های طبقه کارگر و طبقه متوسط درباره روابط عاطفی و غیرعاطفی میان افراد را منعکس می‌کند. ادبیات همچنین ارزش‌های مورد نظر خود نویسنده را منعکس می‌کند و شاید بتوان گفت در سطح ارزش‌هاست که ادبیات، تقویت‌کننده و روشن‌گر ابزارهای جامعه‌شناختی محض در نظر گرفته می‌شود. این امر به خصوص در ادبیات جالب توجه است زیرا [اصحاب] ادبیات خود ادبیات را به عنوان موضوع^۴ انتخاب می‌کنند. چون هرچند بالزاک در آرزوهای گمشده و جرج گیسینگ در خیابان نیوگرا^۵ (۱۸۹۱) تصویر تقریباً دقیقی از تجاری شدن روزافزون ادبیات طی قرن نوزدهم می‌دهند، هدف واقعی رمان‌نویس، بیشتر در قلمرو ارزش‌ها نهفته است. درون‌مایه

۱. الیزابت گاسکل (Gaskell) نویسنده انگلیسی (۱۸۱۰-۱۸۶۵).

2. norms

3. values

4. subject

اصلی هر دو رمان عبارت است از تضاد بین آگاهی ادبی نبوغ‌آمیز شاعر و رمان‌نویس از یک سو، و احکام عملی، یکسره حسابگرانه و پولی بازار ادبی صنعتی شده از سوی دیگر؛ یعنی تنش بین ادبیات به مثابه هنر و ادبیات به مثابه کسب و کار تجاری. هم بالزاک و هم گیسینگ ویژگی‌های تاریخی خاص قرن نوزدهم را پس‌زمینه درون‌مایه اصلی‌شان در نظر گرفتند: بی‌ارزش شدن ارزش‌ها، قربانی شدن هنرمند در مذبح سود. پس می‌شود استدلال کرد که مقصود «حقیقی» ادبیات بزرگ و گروه‌های اجتماعی درگیر در تولید آن، دقیقاً طلب «ارزش‌های اصیل» و نبرد هر دو برای نیل بدان است؛ ارزش‌های اصیل یعنی ارزش‌های یک جامعه انسانی راستین که در آن نیازهای انسانی، آرزوها و امیال انسان، از طریق تعامل اجتماعی بیان می‌شوند. پس اگر چنین باشد، و بعداً در این کتاب معلوم می‌شود که چنین نیز هست، وظیفه جامعه‌شناس صرفاً کشف انعکاس (یا انحراف) [مسائل] تاریخی و اجتماعی در آثار ادبی نیست، بلکه بیان ماهیت ارزش‌های ارائه‌شده در آثار ادبی خاص است؛ یعنی بیان آنچه ریموند ویلیامز آن را «ساختار احساس» نامیده است.^۱ به همین سان، لوونتال گفته است هدف اصلی هر نوع معتبر جامعه‌شناسی ادبیات، باید کشف «هسته معنا» باشد که می‌توان آن را درون آثار ادبی متفاوت یافت؛ این «هسته معنا» و جنبه‌های بسیاری از فکر و احساس درباره موضوعات متنوعی مثل طبقه اجتماعی، کار، تعلقات عاطفی، دین، طبیعت، و هنر را بیان می‌کند. لوونتال در اثر خود نشان می‌دهد که چگونه دن کیشوت، قهرمان سروانتس، را می‌توان به لحاظ جامعه‌شناختی، به عنوان ساختاری از حساسیت‌ها و رفتار دال بر «ناامنی شدید شخصی» در نظر گرفت، رفتارهایی که دامنه آن‌ها از ترس از بردگی و فقدان پایگاه اجتماعی تا عدم قطعیت فلسفی کشیده می‌شود. بنا بر استدلال او، این حساسیت‌ها [اولاً] نتیجه مستقیم افزایش سریع تحرک اجتماعی است که در پی زوال فنودالیزم اسپانیایی صورت گرفت، فنودالیزمی که بر ثبات جایگاه اجتماعی پای می‌فشرد، و [ثانیاً] نتیجه تکوین یک جامعه تجاری سیال‌تر و بازتر است که در آن، پایگاه^۲ اجتماعی^۳ بیشتر متکی است بر اکتساب تا انتساب. او به این ترتیب، دن کیشوت را فردی اساساً منزوی در نظر می‌گیرد که بیشتر تحت سلطه یک جهان‌بینی بیمناک^۴ است تا یک جهان‌بینی خوش‌بینانه.^۵ از نظر لوونتال، این نوع تحلیل «می‌تواند مسائل اصلی‌ای را آشکار سازد که انسان در زمانه‌های مختلف با آن‌ها درگیر بوده است، و به ما اجازه

1. R. Williams, *Culture and Society*, London, Chatto & Windus, 1958.

2. position

3. status

4. apprehensive view

5. Lowenthal, op. cit.

می‌دهد که تصویری از جامعه‌ای خاص را، برحسب اعضای آن جامعه» به دست آوریم. به گفته لونتال، ما از طریق شخصیت‌های داستانی که «نه فقط واقعیت اطرافشان، بلکه امیدها، آرزوها، رؤیاها و خیالاتشان را می‌شناسند و ثبت می‌کنند...»، با واقعیت جامعه و شیوه‌هایی که افراد آن را تجربه می‌کنند، آشنا می‌شویم. لونتال نتیجه می‌گیرد که معانی اجتماعی این زندگی درونی شخصیت‌ها، به مسائل تغییر اجتماعی مربوط است. به این ترتیب، ادبیات به عنوان انعکاسی از ارزش‌ها و احساس، هم دلالت دارد بر میزان تغییر در جوامع مختلف و هم دلالت دارد بر شیوه‌های افراد در اجتماعی شدن در ساختار اجتماعی و نحوه واکنش آن‌ها به این تجربه. ادبیات چون ترسیم گر نگرانی‌ها، امیدها و آرزوهای انسان است، شاید یکی از مهم‌ترین میزان‌سنج‌های جامعه‌شناختی واکنش انسان به نیروهای اجتماعی باشد. اما باید گفت که گرچه ادبیات ارزش‌های اجتماعی و احساسات اجتماعی را، به شیوه‌ای منعکس می‌کند که لونتال استدلال کرده است، بسیار احتمال دارد که وقتی جامعه از حیث شیوه‌های اجتماعی کردن آدم‌ها، شیوه تغییر و نیز از حیث ساختار اجتماعی‌اش، پیچیده‌تر می‌شود، تحلیل ادبیات، منحصرأ بر اساس نظریه انعکاس، بیش از پیش دشوار شود. در قرن هجدهم هنوز این امکان برای فیلدینگ وجود داشت که در *تام جونز* کل جامعه را، یک کلیت را، در قالب ارزش‌ها و احساساتش، از طریق نگارخانه پرمایه‌ای که از شخصیت‌ها در اختیار داشت، تصویر کند، همان کاری که هومر، با زندگی در یک جامعه کوچک‌تر و همگن‌تر انجام داد. اما با آغاز صنعتی شدن و رشد یک ساختار اجتماعی پیچیده، که شامل تکثیر موقعیت‌های طبقاتی و پایگاهی بود، همراه با رشد وسایل ارتباط جمعی و تشکیل جامعه‌ای که به اصطلاح جامعه توده‌ای^۱ خوانده می‌شد «این احتمال از بین رفت که کسی بتواند اقدامی در این جهت بکند... شاید فقط به این دلیل که هیچ فردی وجود ندارد که بتواند دانش کاملی از بیش از یک بخش از جامعه داشته باشد». ^۲ اگر رمان مزبور که پیدایش آن موازی است با ظهور جامعه صنعتی، ساخت اجتماعی را منعکس می‌کند، پس باید این کار را با به تصویر کشیدن مسائل کل جامعه، در قالب محیطی محدود انجام دهد، محیطی که به مثابه یک عالم صغیر در نظر گرفته می‌شود: اشراف، بورژواها و هنرمندان بالزاک؛ اشرافیت رو به زوال پروست؛ و روشنفکران طبقه بالای آلدوس هاکسلی همگی منعکس‌کننده بحران تاریخی خاص کل جامعه هستند.

رویکرد دوم به جامعه‌شناسی ادبی، از تأکید بر خود اثر ادبی دست برمی‌دارد و متوجه

1. mass society

2. I. Watt, "Literature and Society", in *The Arts in Society*, ed. R. N. Wilson, New Jersey, Prentice-Hall, 1964.

جنبه تولید [اثر ادبی] و مخصوصاً موقعیت اجتماعی نویسنده می‌شود. یک مرجع مهم در این حوزه، جامعه‌شناس فرانسوی، روبر اسکارپیت است که کار خود را منحصرأ بر این جنبه معطوف کرده است.^۱ در اینجا، بحث متمرکز است بر حمایت‌گری^۲ و هزینه‌های تولید، نه بر متن ادبی. به این ترتیب، رابطه نویسنده و حامی^۳ اش، که اغلب رابطه‌ای غیرمستقیم و نامطبوع بود، از حمایت‌گری درباری قرون وسطایی گرفته تا نظام حمایتی اشرافیت قرن نوزدهم، دنبال می‌شود. با پیدایش نشر ارزان و بازار تولید انبوه، نظام حمایتی جای خود را به خودکامگی ناشر و کتاب‌فروشان داد. ضمناً رشد یک عامه کتاب‌خوان که به ویژه از طبقه متوسط بود در اواخر قرن هجدهم، کمک کرد که موقعیت نویسنده از 'وابستگی به حامی' به 'وابستگی به یک حرفه' تبدیل شود. این دموکراتیک شدن تدریجی فرهنگ، چنان که جامعه‌شناس آلمانی، کارل مانهایم گفته است، مخصوصاً در پیدایش رمان، ژانری ادبی که عمده‌تأ متعلق است به طبقه متوسط، و نیز در ظهور «حساسیت» مدرن یا روان‌شناسی مدرن اهمیت دارد. پیروزی فرهنگی طبقه متوسط را می‌توان به عنوان پیش‌درآمد ظهور فرهنگ توده‌ای و تجاری شدن ضمنی ادبیات در نظر گرفت. موقعیت نویسنده در یک جامعه توده‌ای در تقابل با موقعیت اجتماعی قبلی اش، بسیار اهمیت دارد و روشن است که می‌تواند به شیوه‌های مختلف بر قدرت خلاقه‌اش تأثیر بگذارد؛ پیوندهای میان این زمینه تاریخی و تحول ادبیات، قلمرویی مهم را در هرگونه جامعه‌شناسی ادبی به وجود می‌آورد. این امر متضمن یک مسئله عمده است - یعنی پیوند دقیق میان متن ادبی و پس‌زمینه‌اش - چگونه تولید و مصرف ادبیات بر صورت و محتوای آثار ادبی خاص تأثیر می‌گذارد؟ اما باید خاطر نشان کرد که هرچند این رویکرد، به عنوان تکیه گاهی مهم در تحلیل متن، برای هرگونه فهم کامل ادبیات ضروری است، باید دقت زیادی داشت تا از صورت‌های بسیار خام تقلیل‌گرایی مضمّر در آن، اجتناب شود. آثار ادبی هرگز نباید صرفاً به محصول جنبی^۴ محیط اطرافشان تبدیل شوند.

یک درون‌مایه پایدار این رویکرد جامعه‌شناختی عبارت است از تأکید آن بر افزایش

1. R. Escarpit, *Sociologie de la Littérature*, Paris, 1958.

[این کتاب به فارسی ترجمه شده است: مرتضی کتبی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی ادبیات، اثر روبر اسکارپیت. تهران: «سمت» (و.).]

بسنجید با:

R. Williams, *The Long Revolution*, London, Chatto & Winus, 1961, part 2.

2. patronage

3. patron

4. epiphenomenon

بیگانگی نویسنده از جامعه‌اش و اثر حاصل از آن بر سبک و محتوای اثر ادبی. غالباً این گسیختگی اجتماعی را به زوال نظام حمایتی در اواخر قرن هجدهم و ظهور نویسنده در مقام عضوی از «روشنفکران آزاد شناور»^۱ ربط می‌دهند. استدلال می‌شود که در جامعه ماقبل صنعتی، نوعی هماهنگی نسبی میان نویسنده و مخاطبانش وجود داشت. در آتن عصر پریکلس، افرادی از قبیل آیسخولوس، سوفوکل، و اورپید کمابیش جزئی از جامعه بودند و به عنوان اعضای یک طبقه جداگانه در نظر گرفته نمی‌شدند. از سوی دیگر، در رم عصر آگوستوس، آثار هوراس و ویرژیل در مدح حکومت را می‌توان نتیجه مستقیم نظام حمایتی در نظر گرفت.^۲ با سقوط رم و آتن، نظام حمایتی درباری به حامی اصلی نویسنده تبدیل شد؛ مثلاً، در ایتالیای عصر رنسانس و فرانسه قرن هفدهم و هجدهم. بعدها بیشتر ثروتمندان نیز به تبع دربار، به نظام حمایت از ادیبان روی آوردند و نویسندگان نیازمند، با یکدیگر بر سر غذا و پول به رقابت می‌پرداختند.^۳ نظام حمایتی و مخاطبان محدود جامعه پیشاصنعتی و جامعه تجاری اولیه، آشکارا واکنش نویسنده را محدود می‌کردند: بین نویسنده و مخاطبانش، در مورد ارزش‌ها، سازگاری وجود داشت و فهمی متقابل بین آن‌ها برقرار بود. اما خصوصاً با پیدایش عامه کتاب‌خوان طبقه متوسط، کتابخانه‌های امانت‌دهنده کتاب، و نشر ارزان، نویسندگان برای گذران زندگی‌شان، بیش از پیش به نظام حق‌التألیف وابسته شدند: ادبیات، چنان که دیدیم، به یک کسب و کار تجاری تبدیل شد. اوضاع اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جدایی نویسنده خلاق اصیل از جامعه را کامل کرد و موجب هم‌هویتی او با گروه‌های روشنفکری بزرگ‌تر شد. غالباً سال ۱۸۴۸ سال انقلاب‌ها نامیده می‌شود؛ این سال - که طی آن اروپا گرفتار کشمکش‌ها بود - دو دوره را از هم جدا می‌کند: دوره‌ای که هنوز امکان داشت نویسنده با طبقه متوسط هم‌هویت شود و از طریق ادبیات ارزش‌های آن را، مخصوصاً ارزش‌های اجتماعی و عقلانی‌اش را

۱. free floating intelligentsia: این یک کلیشه مستعمل جامعه‌شناسی مدرن است. با دنبال کردن رد آن می‌توان به جان استوارت میل رسید. اما کاربرد اخیر آن از کارل مانهایم الهام می‌گیرد. مخصوصاً رجوع کنید به این اثرش: *Ideology and Utopia*, 1936.

۲. گفته شده است که شعر شبانی انعکاسی است از «ذوق برای نوعی گریز رایج که در دوره‌های متأخر یونان و رم در میان برخی از مخاطبان شهری و متمول ایجاد شده بود» (Watt, op. cit.).

۳. به گفته برامستد، رسم یکی از شاهزادگان قرن نوزدهمی آلمان این بود که با دادن محصولات روستا، از نویسندگان خود حمایت کند؛ مثلاً به نویسنده نیازمند، اردک، غاز و تخم مرغ می‌داد، و نویسنده بر اساس نیازش آن‌ها را مصرف می‌کرد یا می‌فروخت (Bramsted, op. cit.).

منعکس کند و دوره دیگر، دوره شک و بی‌یقینی و تأکید آن بر حالات ذهنی^۱ و روان‌شناختی بود. بعد از این تاریخ، طبقه متوسط در بیشتر کشورهای اروپای غربی یا به قدرت سیاسی رسیده بود یا در حال رسیدن به آن بود. نویسندۀ خلاق که کارکرد انتقادی‌اش را متوجه طبقه‌ای کرده بود که ریشه در آن داشت و درآمدش از آن بود، اکنون «پروبلماتیک»^۲ می‌شود. پس، این‌ها دو رویکرد عمده در بررسی‌های جامعه‌شناختی ادبیات هستند که هر یک پشتوانه دیگری برای فهم کلی اثر ادبی است. اما در اینجا نیز همچون حوزه‌های دیگر، شاهد تقسیم کاری مخرب هستیم که می‌خواهد این دو رویکرد را از هم جدا کند؛ به نحوی که پژوهش یا متمرکز می‌شود بر بافت اجتماعی اثر یا بر متن ادبی و معانی اجتماعی آن. آن جامعه‌شناسانی که نقطه آغاز کار خود را متن قرار داده‌اند، غالباً پیش‌شرط‌های اجتماعی اثر را تا حد زیادی برای جامعه‌شناسی ادبی بی‌ربط می‌دانند. به این ترتیب، لوسین گلدمن درباره نویسندگان بزرگ (که از نظر او فقط نویسندگانی هستند که بررسی آثارشان ارزش دارد) استدلال می‌کند که آثار آن‌ها از شرایط جامعه‌شناختی محض عبور کرده‌اند و آن را پشت سر گذاشته‌اند؛ به نحوی که معانی درون متن آثارشان، به شرایط بازار نویسندگی ربطی ندارد. از نظر او، نویسندگان درجه دوم را می‌توان دقیقاً به عنوان کسانی در نظر گرفت که نمی‌توانند خود را از اجبارهای زمینه اقتصادی-اجتماعی رها کنند، به نحوی که شرایط جامعه‌شناختی در آثارشان نفوذ می‌کند و بر ساختار و محتوای آثارشان مسلط می‌شود و به این آثار معنای موقتی محضی می‌دهد. دیدگاه گلدمن اختلاف‌برانگیز است: بیشتر نویسندگان قرن هجدهمی و نوزدهمی برای مخاطبانی خاص می‌نوشتند و شخصیت و حوادثی خلق می‌کردند که با ارزش‌های آن‌ها سازگار بود؛ مخصوصاً با دیدگاه‌های آن‌ها درباره کمال. ساختار رمان‌ها هم در آثار دیکنز و هم در آثار بالزاک، وابسته است به پیش‌شرط‌های چاپ سریالی؛ و عناصر به ویژه دراماتیک آثار بالزاک (شخصیت‌های جنایتکار، گره‌گشایی‌های ناگهانی و خشونت‌آمیز) به وضوح با رشد انتشار مجلات فرانسوی در دهه ۱۸۳۰ و دهه ۱۸۴۰ مربوط‌اند. نظر گلدمن احتمالاً با ادبیات مدرن انطباق بیشتری دارد. نویسندگان بزرگ، دیگر آثار خود را به صورت دنباله‌دار و سریالی منتشر نمی‌کنند و این عمل بیشتر در حد نویسندگان درجه دوم و عامه‌پسند نویس است. مهم‌تر از همه اینکه، اکنون پیوند دادن ادبیات بزرگ با مخاطب، ناشر، و

1. subjective

۲. بسنجید با:

Hauser, *A Social History of Art*, London, Rotledge & Kegan Paul, 1961, vol. 4, ch. 1.

و نیز رجوع کنید به نخستین مبحث فصل سوم.

شبکه گروه‌های اجتماعی، به نحو معناداری، دشوارتر شده است. برای مثال، آیا امکان دارد که بین تکنیک جریان سیال ذهن در نوشته‌های ویرجینیا وولف و شرایط اجتماعی عام‌تر غالب بر نویسندگی در اوایل قرن بیستم به لحاظ جامعه‌شناختی پیوند برقرار کرد؟ چنان‌که گلدمن تأکید می‌کند، آیا این کار بیشتر نوعی پیگیری پیوندهای گروهی اجتماعی نویسنده و ربط دادن ساختارها و ارزش‌های آن‌ها با متون ادبی نیست؟ به این ترتیب، رابطه بین ناشر، نویسنده و مخاطب دست کم در این دیدگاه، از لحاظ جامعه‌شناختی مشخص نمی‌شود.

در حالی که بررسی ادبیات به عنوان صورتی از انعکاس اجتماعی و نیز بررسی آن برحسب زمینه اجتماعی نویسنده، دو شیوه عمده بررسی را به وجود می‌آورند، اما به هیچ وجه تمام رویکرد جامعه‌شناختی را شامل نمی‌شوند. یک چشم‌انداز سوم، یعنی چشم‌اندازی که نیازمند سطحی عالی از مهارت‌هاست، شیوه‌هایی را دنبال می‌کند که در آن‌ها یک اثر ادبی عملاً از جانب یک جامعه خاص، در یک برهه خاص تاریخی پذیرفته می‌شود. به این ترتیب، پذیرش ادبی گنگی دوموپاسان در انگلستان طی سال‌های دهه ۱۸۸۰ و دهه ۱۸۹۰، به گذار از ادبیات انگلیسی‌ای که تحت نفوذ نوعی کامشگری ناشیانه یا غیرصریح بود، به سوی چشم‌اندازی به وضوح مدرن کمک کرد. برای مثال، رمان‌های تامس هاردی و جرج مور، در مقایسه با رمان‌های دیکنز و جرج الیوت رویکرد بی‌پرواتری به کامش دارند و این تغییر [و بی‌پروایی] کمک می‌کند تا تضاد ارزش‌ها بین فعالان ادبی سنتی و نوآوران، در انگلستان عهد ویکتوریا، بارزتر شود.^۱ لوونتال نشان می‌دهد که چگونه در آلمان در سال‌های بین ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰، طبقه متوسط و بالا موفق شدند داستایفسکی را در ایدئولوژی خاص خود بپذیرند. درون‌مایه مسلط در نقد ادبی آلمان، منبع اصلی لوونتال، در این دوره تأکید بر عقل‌گریزی داستایفسکی بود که در نظر لوونتال پیوند داشت با رشد سریع جامعه کاملاً سرمایه‌داری و کاملاً تجاری بزرگ.^۲ «اگر مردم باید این ساختارهای عظیم اقتصادی و سیاسی را بپذیرند، آنگاه ایدئال رقابت میان آدم‌ها از طریق گسترش عقل و اراده، باید جای خود را به ستایش ایدئال‌های غیرعقلانی رها از ارزیابی انتقادی بدهد». از نظر منتقدان آلمانی، داستایفسکی، یک ضدروشنفکر، عارف، غیردنیوی، و دشمن آشتی‌ناپذیر ایده‌های سوسیالیستی است؛ رمان‌های

1. B. Slote, *Literature and Society*, Lincoln, University of Nebraska Press, 1964.

۲. روش پژوهشی لوونتال «شامل خواندن تقریباً همه کتاب‌ها، مقالات مجلات، و مقالات روزنامه‌های چاپ‌شده طی دوره چهار ساله بعد از ۱۸۸۰» می‌شد.

(L. Lowenthal, *The Reception of Dostoevsky's Work in Germany, 1880-1920*, in Wilson, op. cit.)

او را می‌شد به مثابه سلاحی فکری به کار برد، «سلاحی فکری علیه تمامی تلاش‌ها برای اصلاح سازماندهی جامعه» شبیه به همان تلاش‌هایی که سوسیالیسم آلمانی مطرح می‌کرد. از نظر لوونتال، این پذیرش داستایفسکی [از سوی طبقه متوسط آلمان]، مثالی است از بحران عمیق آگاهی که ملت آلمان را طی این چهل سال گرفتار کرد و بر این بود که در ضدیت با عقل‌گرایی افراطی، ضدیت با روشنفکری و ضدیت با سوسیالیسم نازی‌ها به اوج خود برسد.

لوونتال با انتخاب داستایفسکی بر مسئله‌ای انگشت گذاشت که ما هنوز کاملاً به آن نپرداخته‌ایم: انتخاب نویسنده‌ای که قرار است اثرش بررسی و تحلیل شود. جالب است خاطرنشان کنیم که در این نقطه، متخصصان جامعه‌شناسی ادبیات و منتقدان ادبی توافق نظر دارند که فرد باید نویسندگان بزرگ و متون آن‌ها را بررسی کند، دقیقاً، از آن‌رو که عظمت آن‌ها متضمن بصیرت‌های عمیق در شرایط اجتماعی و انسانی است. به این ترتیب، از نظر لئو لوونتال هنرمند «آنچه را که از خود واقعیت واقعی تر است» ترسیم می‌کند، در حالی که برای ریچارد هوگارت، ادبیات بزرگ عمیق‌تر در تجربه انسانی نفوذ می‌کند، از آن‌رو که می‌تواند «نه تنها نمونه‌های فردی را ببیند بلکه حتی می‌تواند حرکت‌های عمیق‌تر و پایدارتری را در زیر جزئیات سطحی ببیند» و می‌تواند «تفاوت‌ها را در کنار هم گرد آورد و یک الگو از میان توده‌ها و گروه‌ها استخراج کند، درست همان‌طور که آهن‌ربا می‌تواند براده‌های آهن را به خود جذب کند».^۱ هنرمند بزرگ «انسان کلی را در تمام وجودش» ترسیم می‌کند.^۲

مسئله انتخاب را در اینجا نمی‌توان حل کرد، مگر اینکه به روشنی متضمن معیار باشد و معیار حاضر به نظر می‌رسد که در اینجا صرفاً پایداری است، و دلالت دارد بر اینکه ادبیات بزرگ دوام می‌آورد. اگر چنین باشد، ماهیت هرگونه جامعه‌شناسی مربوط به فرهنگ توده، فرهنگ عامه‌پسند، و غیره زیر سؤال می‌رود، فرهنگی که از این منظر [پایداری و دوام] حاوی هیچ پیامی برای آیندگان و متضمن هیچ بصیرت عمیقی درباره شرایط انسانی و اجتماعی نیست. اما اگر هدف اصلی جامعه‌شناسی، فهم ماهیت و کارکردهای همه جوامع و موقعیت انسان‌ها در آن‌ها باشد، آنگاه فرهنگ عامه‌پسند یقیناً می‌تواند مدعی جایگاهی معقول باشد. طبق استدلال لوونتال، ادبیات دربرگیرنده ارزش‌ها و نمادهای بنیادین منسجم‌کننده گروه‌های متفاوت جامعه است؛ اگر این استدلال پذیرفته شود، آنگاه فرهنگ عامه‌پسند هم می‌تواند به

1. Hogart, op. cit.

2. Lowenthal, *Literature and Image of Man*.

عنوان «ابزاری تشخیصی»^۱ برای تحلیل انسان مدرن به کار آید، مخصوصاً از آن‌رو که به طور گسترده‌ای تولید و مصرف می‌شود.^۲

در فصل‌های بعد می‌کشیم شواهدی بیاوریم از نیاز دوسویه ادبیات و جامعه‌شناسی به هم و بگوییم که هیچ دانشجوی جامعه‌شناسی نمی‌تواند از «شواهد ادبی» و از آگاهی ادبی بی‌نیاز باشد.

1. diagnostic tool

2. Lowenthal, *Literature, Popular Culture and Society*, New Jersey, Prentice-Hall, 1961.

در ضمن، رجوع کنید به:

B. Barber and D. M. White, *Mass Culture*, New York, Macmilan, 1956.